

رفیق بصیر اخگر، شاهین سیتغ های سرخ

جریان دموکراتیک نوین افغانستان که در صدر آن اسم رفیق اکرم یاری قرار دارد، مایه ی مباحثات خلق های آزادیخواه این کشور است. این جریان که با جنبش شعله بی مهر تسجیل بر پراتیک انقلابی رهروان راه سرخ انقلاب در دهه ی ششم سده ی بیستم میزند، تحت رهبری صدر اکرم یاری و با سازمان جوانان مترقی ثبت تاریخ این خطه است. صدر اکرم یاری به دست وطن فروشان مزدور سوسیال امپریالیسم روس به شهادت رسید. برخی ها نظیر واصف باختري و اعظم دادفر بعدا مرتد شدند، اما از میان شعله بی های اصیل و از میان اعضای اصیل سازمان جوانان مترقی، نبرده انقلابیونی نظیر بصیر اخگر هم بودند که پس از به شهادت رسیدن رفیق اکرم یاری صدر کمیته ی مرکزی س.ج.م بر خط صحیح انقلاب دموکراتیک نوین در افغانستان که خط سرخ شهید اکرم یاری است، پای فشردند. نوزدهم جون 2013 میلادی مصادف است با هفتمین سالگرد وفات رفیق بصیر اخگر، مائوئیست نستوه و رهرو راه ی سرخ شهید اکرم یاری.

اگر از یکسو رفیق اخگر با سامای مجید شهید پهلو داد و به مثابه ی یک رفیق شعله بی از شرافت خط سرخ انقلاب دفاع نمود، از سوی دیگر این رفیق گرامی، هنگامی که مشاهده نمود که سامای بعد از مجید "رخ به سوی خانه ی خمار دارد" در برابر انحراف خطی-ایدئولوژیکی آن ایستاد و هرگز فراموش نکرد که یک شعله بی اصیل تنها در بستر داغ مبارزه ی طبقاتی و در آغوش مائوئیسم است که میتواند سکاندار انقلاب باشد. وی نیک میدانست که آنانیکه از مائوئیسم (مائوتسه دون اندیشه در آنزمان) گسست نموده اند، شرافت شعله بی را نیز به حراج گذاشته اند و میان آنان و انقلابیون شعله بی- انقلابیونی که در راس شان صدر اکرم یاری درفش سرخ انقلاب را در اهتزاز نگهداشته بود- دریایی از خون فاصله است. روی این ملحوظ، تا زنده بود یک شعله بی باقی ماند و با شعله بی های اصیل در آمیخت و به دفاع از خط سرخ اکرم یاری کمر همت گماشت. هرکجا رفیقی میدید صادق و رسالتمند، از اکرم یاری میپرسید و نظرش را در مورد وی میخواست، و به آن ترتیب، راهیان مسیر صحیح انقلاب را فرا میخواند تا دست به اتحاد دیالکتیکی داده و در راه ی ایجاد حزب طبقه ی کارگر یعنی حزب کمونیست مائوئیستی گرد آیند. رفیق اخگر علی الرغم فقر و تنگدستی، هرگز غرور خویش را پامال اغراض و تمنیات فرادستان ننموده و مصداق راستین مصراع ذیل از خواجه ی شیراز بود:

گر چه گرد آلود فقرم شرم باد از همتم

گر به آب چشمه ی خورشید دامن تر کنم

رفیق اخگر یک "انقلابی لفظی" نبود بلکه به مثابه ی یک انقلابی راستین، در برابر امپریالیسم، فنودالیسم و کاپیتالیسم بیروکراتیک ایستاده و در کنار خلق های انقلابی قرار گرفت.

رفیق اخگر به سال 1352 خورشیدی مبارزات دهقانی را در زادگاهش پغمان به بهترین وجهی رهبری و سازماندهی نمود. رفیق اخگر در زادگاهش پغمان نیز شهرت خوبی داشت و صد ها تن دانش آموز و آموزگاران محلی را به گونه ی دموکراتیک و انقلابی آموزش داده و آنان را در امر رهایی خلق ها بسیج

نموده بود. رفیق اخگر گذشته از آن که از کادر های برجسته ی سازمان جوانان مترقی بود، در میان کارگران و بویژه کارگران پیشرو نیز شهرت بسزایی داشته و مورد اعتماد شان بود. این رفیق گرانمایه، از جمله ی سازماندهندگان اعتصابات فابریکه جنگلک در بهار 1347 خورشیدی بود. نیز وی مبارزات دموکراتیک خلق ها از جمله اعتصابات و مبارزات دانشگاهیان (دانشگاه کابل) و دانش آموزان را سمت دهی صحیح و انقلابی میکرد. روی این ملحوظ، حتی در دوران ستم شاهی، نام وی معادل مبارزات انقلابی خلق ها، مشهور خاص و عام بوده و به مثابه ی خار چشم ارتجاع داخلی از شرافت انقلاب دفاع می نمود. پس از کودتای منحوس هفتم ثور، وی در سه جهت مبارزات خویش را شدت بخشید:

-مبارزه به ضد سوسیال -امپریالیسم و پوشالیان دست نشانده اش (که پس از ششم جدي 1358 خورشیدی، این مبارزه شکل مبارزه در برابر اشغالگران و رژیم پوشالی دست نشانده ی آنرا به خود گرفت)

- مبارزه در برابر ارتجاع اخوانی و مرتجعان مدافع منافع خوانین و سلطنت

-مبارزه در برابر رویونیسم عمدتا رویونیسمی که در لاک "شعله پی" دست آورد های جریان شعله ی جاوید و عمدتا خط سرخ آنرا طرد میکرد. رفیق اخگر با مبارزه به ضد رویونیست ها و سنتریست های رنگارنگ، خط سرخ اکرم یاری را و شخص اکرم یاری را به مثابه ی خط گذر مائوئیسم در افغانستان در نظر میگرفت و به این ترتیب، زمینه آنرا فراهم آورد که نسل بعدی انقلابیون بتوانند سره را از ناسره تمیز کنند.

رفیق اخگر در این مبارزه سرانجام متقاعد شد که رهبری تشکیلاتی که هموندي آنرا دارد از انحرافات خطی-ایدولوژیک نه تنها نمی خواهند برهند بلکه هر چه بیشتر لیبرالیزه شده و "استراتژی جنگ خلق" و اندیشه ی مائوتسه دون را عملاً کنار گذارده اند و در ادبیات رسمی خویش نیز تا میتوانند از مارکسیست خواندن خویش طفره میروند. لهذا، رفیق اخگر چاره ی کار را در گسست از چنان تشکیلاتی دید. اما وی این گسست را به بهای توطئه چیدن و هم آوا شدن با گسیخته گان بی پرنسیب پذیره نشد. وی ترجیح داد که با اقلیتی از رفقا که بر اصولی می اندیشند و اصولی عمل میکنند یکجا شود. وی هم آوا با صدر مائو بود که این درستی خط است که تضمین کننده ی پیشرفت و پیروزی است و این درستی خط است که کمیت آفرین است. لهذا، وی اقلیتی اصولی را بر اکثریتی که انحراف در پیش گرفته اند نه تنها ترجیح میداد بل در برابر چنان "اکثریتی" می ایستاد و ادعای مزورانه و دروغین چنان "اکثریت" را که خویشتن را در لاک "سنترالیسم دموکراتیک و تبعیت اقلیت از اکثریت" پنهان میداشت، را طرد و افشاء می نمود. رفیق بصیر اخگر، در سراسر عمر پربار مبارزاتی خویش، از همان آوان نیمه ی دهه ششم سده بیستم میلادی به بعد، مبارزه ی دو خط را به مثابه ی یک پرنسیب مائوئیستی اتخاذ نموده و در برابر خط سیاه سنتریسم و رویونیسم، خط سرخ مارکسیستی، و در شرایط خاص افغانستان، خط سرخ رفیق یاری را که اندیشه ی راهنمای انقلاب در افغانستان بود، مورد تصدیق، قبول و حمایت قرار داده و به نشر و تبلیغ آن خویشتن را وقف کرده بود.

رفیق بصیر اخگر را گرامی داریم، کارنامه های سترگ اش را به بررسی، ستایش و تایید گیریم، نکات ارزنده و دست آورد های تیوریک و عملی وی را که در راستای خط سرخ شهید اکرم یاری اند، مورد قبول قرار داده و از آن استفاده خلاق به عمل آوریم، و از این رفیق نستوه در برابر رویونیست ها و مرتدانی که وی و یادوار وی را با سکوت پرگذار میکنند، دفاع اصولی و رفیقانه کنیم. رفیق اخگر با ما است، و در هر گامی که به پیش می نهیم، مشعلدار مبارزات ما است. وی اخگری است که حریق انقلاب را نمایندگی می کند. و ما به چنان اخگر هایی همیشه نیازمند ایم. وی همان شعله ی جاوید است که میرایی را با وی میانه یی نیست.

اگر رویونیسم، ارتجاع اسلامی و وطن فروشان "خلق-پرچمی" همه ی هم و غم خویش را برآن معطوف میداشتند که اخگر ها را به خاکستر مبدل سازند، اخگر جاوید ما، پایسته گی و شایسته گی تاریخی خویش را مثبت داشت. در دفاع از نجابت انقلابی رفیق اخگر و سایر رفقای مائونیست، اعم از دیروزیان و امروزینگان، با درفش سرخ مائونیسم، باید به پیش تاخت. سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م) خاطره و کارنامه های رفیق اخگر را تجلیل نموده و با یاد آوری از این رفیق، دست کم کوچکترین گام را در راستای ادای دین به پیش گاه ی رفیق اخگر و سایر رفقای جنبش مائونیستی کشور که همه ی عمر خویش را در دفاع از انقلاب سپری نموده اند، فرا پیش می نهد.

زنده و پیروزگر باد خط سرخ شهید اکرم یاری

فرزوان باد مشعل مبارزاتی رفیق بصیر اخگر

مرگ به ارتجاع و رویونیسم

بر چیده باد بساط اشغالگران و امپریالیست های خون آشام

زنده باد جنگ خلق!

با درفش سرخ مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم، به پیش!

20 جون 2013 میلادی

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)